

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تربیت
و کارکنان

دوره هشتم، شماره هفدهم

نام جزوه: تعلیم و تربیت و کارگزاران
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- ۵..... مقدمه
- ۶..... جایگاه کارگزاران در نظام حاکم
- ۸..... جایگاه خاص کارگزاران در نظام اسلامی
- ۱۳..... نقش کارگزاران در اصلاح جامعه
- ۴۱..... آموزش خاص اخلاقی، تربیتی
- ۴۴..... آموزش خاص مسائل اداری
- ۴۶..... چه کسی مسؤول تربیت کارگزاران است؟

مقدمه

از مسائل ضروری در نظام حاکم بر جامعه، تعلیم و تربیت کارگزاران آن نظام است. این ضرورت هر چند ملموس و روشن است ولی به لحاظ نشان دادن اهمیت آن ابتداء به بیان جایگاه کارگزاران در نظام حاکم بطور عام و جایگاه آنها در نظام اسلامی به طور خاص و نقش عظیم آنها در اصلاح جامعه می پردازیم و آنگاه به بیان نحوه تربیت و این که چه

کسی مسؤول تربیت کارگزاران است، خواهیم پرداخت.

جایگاه کارگزاران در نظام حاکم

آن قشر از جامعه که به حلّ و فصل امور مملکتی در ابعاد گوناگون - اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، قضائی و ... - اشتغال دارند از عالی ترین مقام تا پائین ترین مقام، کارگزاران جامعه می باشند. بسیاری از کارها و احتیاج های مردم و اجتماع بدون یاری آنها انجام نمی گیرد؛ به عنوان مثال: یکی از نیازها در جامعه سوادآموزی و نشر فرهنگ و علوم مورد نیاز جامعه است. برای رفع این نیاز اجتماعی؛ برنامه ریزی، کتاب، مدرسه، معلّم و ... لازم است. آن هم در سطوح مختلف و برای سنین متفاوت. واضح

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۷

است که سازمان، وزارت و اداره ای با افراد خاص لازم است که این امور لازم را به انجام رساند و راه را برای علم آموزی صدها هزار بلکه میلیون ها کودک، نوجوان و جوان آماده سازد.

چرخ های امور اجتماعی در تمام ابعاد به وسیله کارگزاران به گردش در می آید. «الأعمالُ تَسْتَقِيمُ بِالْعَمَالِ»؛ کارها به وسیله کارگزاران قوام می گیرد. هر اندازه امور مملکت توسط کارگزاران منسجم تر و با برنامه ریزی بهتر انجام گیرد، فعالیت و همکاری و شرکت مردم با نظم بهتر و در عین حال همراه با رضایت و خرسندی خواهد بود. مثبت و منفی بودن حرکت های مردم در مسائل سیاسی،

اقتصادی، اخلاقی، و فرهنگی و... وابسته به برخورد و نحوه عملکرد کارگزاران است. در این که کارگزاران به طور عموم در مردم و اجتماع مؤثرند، جای هیچ گونه شکی نیست. لکن اثر گذاری برخی نسبت به بعضی دیگر بیشتر است. و چگونگی اثر گذاری کارگزاران به نوع تعلیم و تربیت آنها وابسته است، تعلیم و تربیتی که از کودکی تا جوانی با آن همراه بودند.

جایگاه خاص کارگزاران در نظام اسلامی

کارگزاران دارای یک جایگاه عام در نظام موجود هستند، این جایگاه اختصاص به نظامی دون نظام دیگر ندارد در تمام نظام ها که از نظر فکری، فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و... متفاوت هستند آن

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۹

جایگاه عام برای کارگزاران محفوظ است و آن اینست که اینها ستون و ارکان اجتماع، مملکت و مردم هستند. امنیت، نظم و امور مردم به وسیله آنها سامان می‌گیرد؛ اما نقش کارگزاران در جایگاه عام خلاصه نمی‌شود؛ بلکه از جایگاهی خاص نیز (در هر نظام) برخوردارند و آن اینست که با رفتار، گفتار و نوع برخورد و قیافه، فرهنگ نظام را تبلیغ می‌کنند و ارائه‌دهنده اندیشه و عمل نظام به جامعه هستند و به مردم می‌نمایانند که چگونه باشند؛ تا نظام موجود از آنها راضی باشد. هر چند کارگزاران در تمام نظام‌ها در داشتن جایگاه عام با هم مشترکند لکن در جایگاه خاص با هم متفاوت هستند. همه آنها در جایگاه عام خویش در برابر نظام و ملت مسؤولند و باید

مشکلات جامعه و مردم را حلّ و فصل کنند. نظم و امنیت اجتماعی را حفظ نمایند. و لکن نحوه عمل، برخورد، گفتار و انجام وظیفه یکسان نیست؛ زیرا این ویژگی ها مخصوص جایگاه خاص کارگزاران در نظام ها است. و آنچه تعیین کننده جایگاه خاص کارگزار هست، اندیشه، عقیده و مکتبی است که زیربنای اخلاق، عمل به قانون و عمل نظام حاکم را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر نحوه دید یک نظام به هستی، جهان، انسان، دنیا، زندگی و ... تعیین کننده جایگاه خاص کارگزاران آن نظام است. در نظام اسلامی کارگزاران از جایگاه ویژه ای برخوردارند، که قید «اسلامی» مشخص و مبین آن است.

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۱۱

قید اسلامی بیانگر چگونگی جایگاه خاص کارگزاران در نظام اسلامی است. مفهوم «اسلام» مشخص می کند که آنان به اصول و فروع مکتب معتقدند، و بینشی توحیدی نسبت به خدا، رسول ((صلی الله علیه وآله)) و صاحبان امر ((علیهم السلام)) دارند^۱ و چنانچه کارگزاری از این بینش برخوردار نباشد، باید طبق ضوابط حکومتی، ملزم به رعایت اصول و قوانین اسلامی در محدوده مسؤولیت و وظیفه اجتماعی خویش باشد.

کارگزاران وقتی موفق به نشان دادن فرهنگ اسلامی در گفتار، رفتار و نوع برخورد با مراجعان و ... هستند که در شعاع تعلیم و تربیت صحیح از نفس

۱ . اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم.

و روحی مزین به صفات انسانی (عدل، انصاف، احسان، عزت، شرف و بندگی خدا) برخوردار باشند. جایگاه خاص، جهت جایگاه عام کارگزاران اسلامی را روشن ساخته، و او را آماده می سازد تا از روی عدل و انصاف به جامعه و ملت خدمت نماید و در مقام خدمت به مردم، کارش را وسیله نشر اخلاق اسلامی و کمال الهی نفس نیز قرار دهد. او با حفظ جایگاه خاص که طالب قرب خداست، فرهنگ نظام اسلامی را در اداره اش به واسطه اعمال انسانی و اخلاقی به رجوع کنندگان ارائه می دهد. در عبارتی کوتاه کارگزار واقعی نظام اسلامی کسی است که جایگاه عام او هماهنگ با جایگاه خاص اسلامی او باشد.

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۱۳

نقش کارگزاران در اصلاح جامعه

دو گروه در جامعه نقش محوری و کلیدی دارند به نحوی که فساد و اصلاح آنها سبب فساد و اصلاح مردم است.

رسول گرامی اسلام حضرت محمد ((صلی الله علیه وآله)) فرمود: اصلاح جامعه وابسته به اصلاح دو گروه است:

۱- علما و دانشمندان جامعه.

۲- زمامداران و کارگزاران نظام حاکم.

چنانچه هر دو گروه صالح و با تقوا باشند.

سوق دهنده جامعه به صلاح و بندگی خدا خواهند بود. و اگر زمامداران فاسد باشند، اشاعه فساد در

جامعه حتمی است و دانشمندان صالح یا منزوی بوده

و یا در گوشه زندان‌ها محبوس خواهند بود. و در صورتی که زمامداران عالی رتبه از دانشمندان و صالح باشند ولی زمامداران نظیر استناداران، فرمانداران و کارگزاران آنها و ... از غیر دانشمندان بوده و تربیت صحیح و لیاقت لازم را نداشته باشند، اصلاح جامعه و مردم بسیار کند انجام خواهند شد و یا احیاناً به واسطه نارضایتی که این قسم از کارگزاران ایجاد می‌کنند مردم را به مقام‌های عالی رتبه نظام بدبین ساخته و نه تنها سبب اشاعه گناه در جامعه می‌شوند که زمینه براندازی نظام را در ذهنها ایجاد می‌کنند.

نقش کلیدی کارگزاران در اصلاح جامعه موجب شده که کارگزاران طبق وظیفه اخلاقی به

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۱۵

تربیت و تهذیب نفس خویش قبل از حاکمیت بر مردم اقدام کنند^۱. و تقدّم اصلاح خویش دلیل این مطلب است که کسانی قابلیت دارند زمام امور را از عالی ترین مقام تا نازل ترین آن به عهده بگیرند، که تربیت صحیح دینی پیدا کرده باشند. این گونه افرادند که حلال و حرام خدا را شناخته و در اجرای حقّ کوشا بوده و به عدل عمل می کنند، مبراً و منزّه از گرفتن رشوه، رفتار بد، خشونت و زیر پا گذاشتن قانون هستند و ضوابط اخلاقی، دینی و حکومتی را

۱. حق علی الملک ان یسوس نفسه قبل جنده. شرح غرر. اعقل الملوک من ساس نفسه للرعیة بما عنه حجتها و ساس الرعیة بما ثبت به حجة علیها. شرح غرر.

مقدم بر روابط می دارند. و چنین روش و اخلاقی در میان کارگزاران به اصلاح امت می انجامد.

رابطه مردم با نظام و حکومت از طریق کارگزاران است و غالباً محاسبه و نظر آنان درباره حکومت ناشی از چگونگی برخورد و رفتار کارگزاران با آنهاست. اگر کارشان روی ضوابط صحیح با رفتاری همراه با حسن خلق باشد و به موقع انجام گیرد، نه تنها آن شخص و یا اشخاص، کارگزار را صاحب اخلاق نیکو خواهند دانست، که به تمجید و تکریم از اصل نظام و اعضای عالی رتبه حکومت خواهند پرداخت. و کارگزار صالح با رفتار خوب و منطقی اش مبلغ واقعیت نظام اسلامی و شیوع دهنده عدل و تقوای اسلامی در میان مردم

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۱۷

است. آنگاه که کارگزاران به عدل و صلاح و مطابق دستور خدا و رسول خدا ((صلی الله علیه وآله)) عمل نمایند، هیچ فردی در اجتماع به خود جرأت تخلف نخواهد داد. و اگر فردی از روی نادانی منحرف شود با کسب آگاهی از سوی نظام از راه انحراف برخوردار گشت و در جاده مستقیم عدل قرار خواهد گرفت و کسی که از روی عمد مرتکب خلاف شود، قبل از آن که محکوم قانون قرار گیرد، محکوم جو اجتماع و سرزنش و لعن از سوی مردم مسلمان قرار خواهد گرفت. زمانی که مردم زمامداران را صالح و خدمت گزار ببینند، در اندیشه و عمل از نظام حمایت خواهند کرد. و نظامی که از حمایت توده های میلیونی برخوردار باشد هیچ کسی به خود

۱۸ / تعلیم و تربیت و کارگزاران

اجازه نخواهد داد، از موازین اصولی آن تخلف کند.
و به مخالفت با نظام بپردازد.

تاریخ گواه روشن این مطلب است که مردم در
اصلاح و فساد تابع زمامداران و کارگزاران جامعه
خویش بوده اند.

رسول گرامی اسلام ((صلی الله علیه وآله)) آن
زمان که زمام امور مردم را به عهده گرفت، چنان دنیا
را در نظرها کوچک و آخرت را بزرگ جلوه داد که
کارگزاران آن حضرت و مردم نیز اندیشه ای جز
آخرت و کسب معنویت برای آن سرا در نفس
خویش نمی پروراندند. چنانچه جوّ حاکم بر مدینه -
مقرّ حکومت و دیگر بلاد تازه فتح شده - چنین بود؛
هرچند گروه های فرصت طلب منافق نیز حرکتی

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۱۹

برخلاف آن جوّ داشتند و تا آنجا که برایشان امکان داشت مردم را به دنیا می خواندند. اما بعد از رسول گرامی اسلام ((صلی الله علیه وآله)) به تدریج فضای جامعه دگرگون شد و زمامداران به جمع آوری ثروت پرداختند. عبدالفتاح عبدالمقصود در کتاب امام علی ((علیه السلام)) می نویسد: «طبقه اشرافی که از میان مسلمانان نخستینی به وجود آمده بود همان کسانی که - در روزگار رسول خدا ((صلی الله علیه وآله)) - زندگی خود را آن چنان شروع کرده بودند که همگی نمونه و سرمشق بخشش، ایثار و فراموش کردن خود به شمار می رفتند، آنگاه همان زندگی را غرق در ثروت، تجمّل و در تلاش و آزمند برای

۲۰ / تعلیم و تربیت و کارگزاران

جمع آوری مال به پایان می رسانیدند - یا در شرف
به پایان رسانیدن بودند ...»^۱.

جورج جرداق می نویسد: «خزانه بغداد، پایتخت نوبنیاد عباسیان، از اموال کشور پر و لبریز شده بود، این اموال، مثل همه حقوق، تنها در اختیار خلفا و فرزندان ایشان و وزراء و اطرافیان و مردمی که مورد خشم خلفا واقع نشده بودند قرار داشت، اما توده مردم، یا از سرمایه ای به اندازه بخور و نمیر برخوردار بودند و یا بر اثر این که سر بر آستان خلیفه نمی ساییدند، در شدت فقر و تهیدستی به سر می بردند، رژیم خلافت دو طبقه اجتماعی به وجود

۱ . امام علی ((صلی الله علیه وآله))، (نوشته عبدالفتاح

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۲۱

آورده بود که فاصله میان آنها از لحاظ عمق و درازا بسیار عظیم بود: یک طبقه در اوج توانگری و ثروت و طبقه دیگر در اوج تهیدستی و دست بگریبان با مرگ!... در کنار کاخ‌هایی که سر بر آسمان می‌ساییدند، کوخ‌ها و زاغه‌ها و کلبه‌های تاریک و محقر، فراوان به چشم می‌خوردند.^۱ او در مورد عمال و کارگزاران اموی می‌نویسد: «عمال اموی، با غارت اموال مردم ثروتی بی‌کران اندوختند و کاملاً سیر شدند. شبها در این اندیشه بودند که راه‌های تازه‌ای برای مکیدن آخرین قطرات خون ملت، اختراع کنند!... آنها مردم را مجبور می‌کردند که از

۱. امام علی((علیه السلام)) صدای عدالت انسانیت، ج ۶،

انواع و اقسام درآمدها و دست رنج های خود به هر مناسبتی هدایایی به آنها تقدیم دارند. عمّال درجه دوّم و سوّم نیز برای غارتگری و ثروت اندوزی دست کمی از عمّال درجه اوّل نداشتند... به هر حال مصلحت امویان، ولّاء، عمّال، وجیه المله ها و ثروتمندان بزرگ ایجاب می کرد که گروهی از مردم را آلت دست کنند و به وسیله آنها برجان و مال دیگران دست یابند و امتیازات طبقاتی خود را حفظ کنند... امویان مردم را از روح اسلام که به برادری و مساوات دعوت می کرد، دور کردند و تعصّب جاهلیّت را در دل های ایشان برانگیختند؛ تا آنجا که

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۲۳

سعادت و شرافت را در انتساب به قبایل خویش جستجو کنند»^۱.

نه تنها حکومت امویان و عباسیان بلکه تمام حکومت های غاصب و جابر دنیا این چنین هستند که برای سلطه بر مردم به فشار و زور متوسل می شوند و برای رسیدن به اهداف شوم مادی و شهوانی خویش، کارگزارانی را بکار می گیرند که دور از شرافت و حیثیت خانوادگی و فرهنگی به معنای واقع کلمه هستند. افراد پست و رذلی که جز دنیا و متاع غرور و ناچیز آن را نمی بینند. و وسیله خوبی برای ظلم و شیوع فساد در جامعه می توانند

۱. امام علی((علیه السلام)) صدای عدالت انسانیت، ج ۶، صص ۱۶۲ - ۱۵۹.

باشند و تاریخ از مردانی سخن می گوید که در مقام زمام داری مَلّت جز به عدل عمل نکردند و کارگزاران خویش را از میان افراد صالح انتخاب می کردند، بلکه افراد منتخب را می آزمودند، جاسوسانی را بر آنها می گماردند و اگر فردی در مقام عمل متخلف و رذل در می آمد، کنار می گذاشتند. تاریخ از مردی عظیم چون امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب ((علیه السلام)) سخن می گوید که پس از پیامبر گرامی ((صلی الله علیه وآله)) نمونه بارز عدل و انسانیت است. آن حضرت در مقام خلافت و زمام داری مردم از اصل عدل خارج نشد. نوشته اند: «امام در همان لحظه ای که از پله های منبر خلافت بالا رفت به اجرای نقشه ایده آتش همت گماشت با

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۲۵

قاطعیتی که در امور از خود نشان داد و آنها را طبق ایمان و رضای خویش اجرا کرد، آن گروه (عمّال عثمان را که اکثر از بنی امیه بودند) را غافلگیر ساخت. به هیچ قانونی جز شریعت خدا و سنت رسول گردن نمی گذارد؛ زیرا این دو همان هدفی است که عقل ها را بالا می برد. روش روشن او و مشعلی که راه را به سوی کمال روشن می سازد همین دو است»^۱.

همین روش سبب شد که عمّال فاسقی را که در زمان عثمان بر مسند نشسته بودند، عزل کند و آنچه از بیت المال به غارت برده بودند، مصادره کرده

۱. امام علی ((علیه السلام))، (نوشته عبدالفتاح عبدالمقصود)،

به بیت المال برگرداند. وقتی مغیره در مقام نصیحت می گوید: «من به شما نصیحت می کنم که کارگزاران عثمان را در جای خود ابقا کنی؛ معاویه را در کار خود بگمار؛ ابن عامر را هم ابقا کن؛ دیگر کارگزاران را هم در جای خودشان باقی گذار؛ آنان با تو بیعت می کنند؛ کشور را آرام می سازند و مردم را ساکت می گردانند.» امام نظر قاطع خود را درباره والیان به وی فرمود: «به خدا قسم اگر ساعتی از روز باشد در اجرای نظرم تلاش به خرج می دهم نه آنان را که گفتمی والی (وکارگزار) قرار می دهم و نه امثال آنان را به ولایت و کارگزاری می گمارم». مغیره که رأی قطعی امام را می بیند و ناامید می شود، عرض می کند: «پس اگر از این کار امتناع داری هر که را

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۲۷

می خواهی عزل کن و معاویه را باقی گذار؛ زیرا معاویه گستاخ است و اهل شام از او حرف شنوی دارند، تو هم در تثیبتش بهانه داری؛ زیرا عمر بن خطّاب او را والی و زمام دار آنجا کرده است.» امام در پاسخ فرمود: «به خدا قسم، معاویه را دو روز هم بر نمی گمارم»^۱.

در اینجا هر چند کوتاه و اندک به سخنان بلند آن حضرت ((علیه السلام)) در مورد کارگزاران که بهترین درس برای تعلیم و تربیت کارگزاران است، اشاره می کنیم:

۱. امام علی ((علیه السلام))، (نوشته عبدالفتاح عبدالمقصود)،

آن حضرت ((علیه السلام)) به اشعث بن قیس که حکمران آذربایجان از جانب عثمان بود، نوشت: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرَعِيٌّ لَمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تُفْتَاتَ فِي رَعِيَّةٍ وَلَا تُحَاطِرَ إِلَّا بِوَثِيقَةٍ وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ أَنْتَ مِنْ خُزَائِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ وَ لَعَلِّي أَنْ لَا أَكُونَ شَرًّا وَ لَا تِكَ لَكَ، وَ السَّلَامُ».

عمل (و حکمرانی) تو رزق و خوراک تو نیست (تو را حکومت نداده اند تا آنچه بیایی از آن خود پنداشته، بخوری) ولی آن امانت و سپرده ای در گردن تو است (که بایستی آن را مواظبت نموده در راه آن قدمی بر خلاف دستور دین برنداری) و خواسته اند که تو نگهبان باشی برای کسی که از تو

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۲۹

بالتر است (تو زیر دست آمیری هستی که تو را حافظ و نگهبان قرار داده و ولایتی به تو سپرده که آن را از جانب او مواظبت نمایی) پس تو را نمی رسد که در کار رعیت به میل خود رفتار نمایی (پیش از آن که به تو دستور دهند کاری انجام دهی) و نمی رسد که متوجّه کار بزرگی شوی مگر به اعتماد آمر و فرمانی که به تو رسیده باشد و در دست های تو است مال و دارایی از مال خداوند بی همتای بزرگ و تو یکی از خزانه داران آن هستی تا آن را به من سپاری، و امید است من بدترین والی ها و فرمانده ها برای تو نباشم (بلکه این دستور سود دنیا و آخرت تو را در بردارد) و درود بر شایسته آن دور است.^۱

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۰۰۶.

۳۰ / تعلیم و تربیت و کارگزاران

إِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ.
وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ... و نیکوترین چیزی که
حکمرانان را خوشنود می دارد، برپا داشتن عدل و
دادگری در شهرها و آشکار ساختن دوستی رعیت
می باشد.^۱

«پس در کارهای عمال و کارگردانان نظر و
اندیشه کن و چون آنان را تجربه و آزمایش نمودی
بکار وادار...».

«و پاره ای از وقت را برای نیازمندان از خود
قرار ده که در آن وقت خویشان را برای (رسیدگی به
خواست) ایشان آماده ساخته، در مجلس عمومی
بنشین (تا ناتوانان و بیچارگان به تو دسترسی داشته

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۳۱

باشند) پس برای (خشنودی) خدایی که تو را آفریده (به آنان) فروتنی کن، و لشکریان و دربانان از نگهبانان و پاسداران خود را از (جلوگیری) آنها بازدار، تا سخنان ایشان بی لُکنت و گرفتگی زبان و بی ترس و نگرانی سخن گوید.^۱

از سفارشات آن حضرت به عبدالله بن عباس هنگامی که او را بر بصره جانشین خود گردانید: «با مردم گشاده رو و هم مجلس و درستکار باش ... و از خشم نمودن (با مردم) پرهیز که آن سبک مغزی است از شیطان (به تو رسیده است) و بدان هر کاری که تو را به رحمت خدا نزدیک گرداند از آتش (کیفر

و روز قیامت) دورت می نماید، و هر کاری که تو را از خدا دور سازد به آتش نزدیکت می گرداند»^۱.

و به یکی از کارگزارانش نیز چنین نوشت:

«پس از ستایش خدا و درود بر پیغمبر اکرم، تو

از کسانی هستی که من برای نگاه داشتن دین به آنان

یاری می جویم، و سرکشی گناه کاران را فرو

می نشانم، و زبانک (مرز) ترسناک راه دشمن را

می بندم (مرز را به گوشتی که نزدیک گلوی شخص

است و آن را زبانک می نامند، تشبیه فرموده که چون

گرفته شود نفس قطع گردد) پس در کاری که تو را

اندوه ناک سازد از خدا یاری بجو و (با رعیت در

کارها) سختی و درشتی را با مقداری نرمی و

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۰۸۱، نامه ۷۶.

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۳۳

همواری بیامیز (تا اگر خواستی به آسانی دلش را به دست آوری بتوانی) و مدارا و مهربانی کن هنگامی که مدارا شایسته تر است و به سختی و درشتی پرداز آنگاه که از تو جز سخت گیری پیش نمی رود. و برای رعیت بالت را فرود آور، و رویت را بگشا و پهلویت را نرم کن (مهربان و هموار و خوشخو باش) و در نگرستن به گوشه چشم، خیره نگاه کردن، اشاره نمودن و درود گفتن بین ایشان یکسان رفتار کن (یکی را بر دیگری امتیاز مده) تا بزرگان در ستم کردن تو طمع و آز نمایند (و در صدد دشمنی با تو برنیایند) و زبردستان از دادگری تو نومید نشوند و درود بر شایسته آن^۱ و نیز به یکی از کارگردانانش

(که او را از نادرستیش نکوهش نموده و از او حساب خواسته) چنین نوشت:

«پس از حمد و درود بر پیامبر اکرم، به من از تو خبر کاری رسیده که اگر کرده باشی پروردگارت را به خشم آورده، امام و پیشوایت را نافرمانی نموده و امانت خود را خوار گردانیده ای (در کارت خیانت کرده و دیگر لیاقت حکمرانی نداری) به من رسیده است که تو زمین را برهنه کرده ای (محصول اشجار و زراعات را برای خود برده و چیزی به رعیت نداده ای) پس هر چه زیر دو پایت بوده گرفته و آنچه در دو دستت بوده خورده ای (اموال و دارایی بیت المال را تصرف کرده برای خویش انداخته ای) اکنون برای من حساب (دخل و خرج) خود را

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۳۵

بفرست و بدان که حساب خدا (در روز رستخیز) از حساب و واری مردم بزرگ تر است (دقیق تر است؛ زیرا اینجا ممکن است صورت دروغ و برخلاف واقع تنظیم شود، ولی آنجا جز راست کاری انجام نمی گیرد) و درود بر شایسته آن^۱.

کارگزاران محترم در نظام اسلامی باید به گونه ای رفتار کنند که تا زنده اند مردم برایشان دعای خیر نمایند و از دیدنشان خوشحال شوند و آنگاه که به دیار حق و جاوید مکان گیرند، برای آنان طلب آمرزش کنند و بر مفارقتشان اشک بریزند.

امیر المؤمنین ((علیه السلام)) فرمود: خَالِطُوا
النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مُتُّمْ مَعَهَا بَكُوءًا عَلَیْكُمْ وَإِنْ عِشْتُمْ

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۹۵۵، نامه ۴۰.

حَتُّوا إِلَيْكُمْ؛ با مردم چنان آمیزش و رفتار نمایید که اگر در آن حال مردید (مفارقت و جدایی) بر شما بگریند، و اگر زنده مانند خواهان معاشرت با شما باشند.^۱

روش تربیت کارگزاران

جایگاه خاص کارگزاران در نظام اسلامی معرف هدف و مقصود از تربیت آنهاست. کارگزاران علاوه بر انجام مسؤولیت قانونی و خدمت به اجتماع، باید پشتیبان فرهنگ اسلامی نظام باشند و این وقتی ممکن است که از اخلاق اسلامی برخوردار باشند. بنابراین، کیفیت تربیتی کارگزاران براساس جایگاه خاص آنها در حکومت اسلامی تعیین می شود.

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۳۷

تربیت نه فقط برای تهیّه انجام مسؤولیت اجتماعی و کسب معیشت مادی، بلکه تربیت برای رسیدن به مقام قرب الهی در شعاع انجام وظیفه و تحقق بخشیدن به جامعه ایده ال الهی انسانی است. روشی که برای تربیت کارگزاران در نظام اسلامی اتخاذ می شود، باید به گونه ای باشد که به استعدادها ظهور فعلی بخشیده و آنها را در مسیر الله هدایت کند. و این در صورتی است که تربیت، رنگ فضیلت داشته باشد. و به عبارت دیگر، تربیت همراه با تعهد انسانی و الهی باشد. برای این منظور سه نوع آموزش لازم است:

- ۱- آموزش عام اخلاقی، تربیتی.
- ۲- آموزش خاص اخلاقی، تربیتی.

۳- آموزش خاص اداری.

به توضیح این سه نوع آموزش اشاره می‌کنیم.

آموزش عام اخلاقی، تربیتی

منظور از این قسم آموزش این است که شخص قبل از این که کارگزار نظام باشد، به عنوان انسان بلکه به عنوان یک مسلمان موظف به پرورش استعدادها در ابعاد مختلف وجودی اش هست و مکلف به کسب صفات برجسته انسانی می‌باشد. این نوع آموزش از بدو تولد شروع می‌شود و تا هنگام مرگ ادامه می‌یابد. انسان از آن جهت که انسان است به این آموزش نیازمند است. او باید روش انسان بودن و زندگی انسانی داشتن را یاد بگیرد. و درک کند که چه صفاتی الهی و انسانی اند و کدام صفات

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۳۹

رذیله اند؛ و باید بداند که انسان بودنش در ظهور فعلی کدام بعد وجودی است، اصل با کدام بُعد است، برخوردش با خود و مردم از چه کیفیتی باید برخوردار باشد، راه بندگی خدا چیست، موقعیت خود و دنیا و آخرت را بشناسد، آگاه شود که خروج از مسیر انسانی و صراط مستقیم الهی زیان است و ماندن در راه حق، دارای رشد و کمال می باشد. و... این مسائل و بسیاری مسائل دیگر را باید در خانه، مدرسه و در ارتباط با دیگران بیاموزد. برای رسیدن به این نوع آموزش، لازم است که نظام اسلامی برنامه عام اخلاقی، تربیتی را به خانواده ها، مدارس و دانشگاه ها ارائه دهد، تا برای رسیدن به اخلاق اسلامی در تمام محیط ها حرکتی واحد صورت

گیرد. و آداب معاشرت، رفتارهای اجتماعی، نظم و انضباط دقیق در زندگی راه درست روابط و زندگی کردن و روش صحیح مصرف، بهره گیری مناسب از وقت و عمر و ... را بر اساس اصل تقوای الهی آموزش دهند. طرح چنین برنامه ای از یک فرد و یا افرادی با تخصص های محدود ساخته نیست، وجود یک مجمع فرهنگی لازم است که از متخصصینی در رشته های مختلف تربیتی، روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاددانان و اسلام شناسان تشکیل شده باشد. اگر چه تا زمانی که این برنامه ها به طور کامل از طرف نظام عملی نشده باشد، خود افراد خردمند و با ایمان، با رنج و زحمت خودشان دنبال کرده و یاد می گیرند و عمل می نمایند. (ان شاءالله).

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۴۱

آموزش خاص اخلاقی، تربیتی

یک کارگزار برای انجام مسئولیت صحیح خویش ناچار است که دو قسم مسائل را بیاموزد.

۱- مسائل فقهی که مربوط به شغل او می شود.

۲- مسائل اخلاقی خاص کارگزاری.

شناخت قسم اول از مسائل سبب می شود که در چاله عمل حرام نیفتد و به اعمالی روی آورد که شرع مقدس به او اجازه داده است. و علاوه بر این، آگاه به مهمات واجب، مستحب و مباح کارش باشد. تا کار واجب اداری را (که تعهد کتبی، شفاهی و ضمنی به آن داده است) قربانی مستحب و مباح نکند. و اما: آگاهی از مسائل اخلاقی خاص کارگزاری سبب می شود تا از رابطه صحیح با خود، افراد اداری،

مراجعان و به خصوص از رابطه ای انسانی با شغلش برخوردار باشد. و با حسن خُلق و توجّه خاص به خدا به کارش رنگ فضیلت دهد.^۱

کارگزاری که آگاه به این دو قسم مسائل باشد و آنها را رعایت کند، پشتوانه ای بزرگ برای استحکام نظام اسلامی و نشر فرهنگ غنی اسلامی در مقام عمل است.

گروهی از کارگزاران هر چند ایرانی هستند و لکن مسلمان نیستند. اینان اگر ضوابط اخلاقی اسلامی را رعایت کنند، احیاناً بخاطر هماهنگی لازم با نظام اسلامی است ولی نمی توان آنها را پشتوانه

۱. برای شناخت مسائل اخلاقی خاص کارگزاران به کتاب «اخلاق کارگزاران» منتشر شده از سوی مؤسسه در راه حق مراجعه شود.

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۴۳

نظام به حساب آورد؛ زیرا غرض آنان زندگی در محیط امن است و به همین جهت تفاوتی نمی‌کند، در شعاع نظام اسلامی باشند یا نظامی غیر آن. ولی گروهی که اکثریت را در نظام اداری کشور تشکیل می‌دهند، مسلمان هستند. اینان با آموختن ضوابط اخلاقی نه تنها هماهنگی لازم را با نظام اسلامی حفظ می‌کنند، بلکه با عقیده به آن اخلاق و عمل به آن، علاوه بر ایجاد محیط امن برای خود و مردم پشتوانه‌ای محکم جهت بقا و استمرار و رشد و کمال معنوی نظام اسلامی هستند. اینان در شعاع نظام اسلامی نه تنها کمال فعلی انسانی خود را ضمانت می‌کنند، بلکه با برخورد سالم و عمل شایسته خویش انسانیت جامعه را ضمانت کرده‌اند.

۴۴ / تعلیم و تربیت و کارگزاران

آموزش خاص مسائل اداری

از جمله مسائل اخلاقی که مسؤولیت خاص کارگزار را تشکیل می دهد، اطلاع از امور اداری است. که این امور چند قسم است:

۱- مسائل عام درون اداری.

۲- مسائل خاص درون اداری.

۳- مسائل جهت هماهنگی با دیگر ادارات و

سازمان ها.

۴- مسائل خاص مراجعان.

مسائل عام درون اداری آن گونه اموری هستند

که یک کارگزار با هماهنگی و یاری دیگر کارکنان و

ریاست انجام می دهد و به تنهایی قادر به انجام آنها

نیست.

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۴۵

مسائل مربوط به مراجعان، آن مواد و قوانینی است که کارگزار نسبت به افراد رجوع کننده جهت حلّ مشکلات آنها، باید انجام دهد.

مسائل مربوط به هماهنگی با دیگر ادارات شامل آن قوانینی می شود که بین سازمان های اداری، هماهنگی به وجود آورده و آنها را در جهت واحد هدایت می کند تا مزاحمتی پیش نیاید.

مسائل خاص درون اداری، مسؤلیتی است که یک کارگزار به طور مستقل و جدای از فراخوانی دیگران باید انجام دهد.

کارگزاران موظفند، اقسام مسائل فوق را به نحو تفصیل بیاموزند، تا در ضمن انجام وظیفه، دچار اشتباه نشوند و کارهای اداری با نظم و ترتیبی صحیح

انجام گیرد. چه بسا عدم اطلاع از یک ماده قانونی سبب شود که اموری از فعالیت‌های اجتماعی مردم زمین بماند و یا اختلال بین فعالیت‌های دو سازمان اداری ایجاد شود و نظم اجتماعی را احیاناً مختل نماید.

چه کسی مسئول تربیت کارگزاران است؟

لازمه حاکمیت نظامی خاص، با فرهنگ و مکتبی خاص بر جامعه، نیازمندی و احتیاج به کارگزارانی است که در مسیر خاص حکومت باشند و با ایمان به نظام، اوامر و قوانین را به نحو صحیح اطاعت کنند. و دیگر این که پشتوانه محکم نظام و حکومت باشند و برای این هدف و منظور، کارشناسان نظام باید در

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۴۷

صدد تهیه برنامه در سطوح مختلف جهت تربیت چنین کارگزارانی، باشند.

در حکومت اسلامی که نظام، تدبیر و سیاست ملت را به عهده دارد. علاوه بر هدف فوق نظر بالاتری نیز از تربیت افراد جامعه دارد و آن رشد انسانی و معنوی مردم است. خانواده ها، مدارس به تنهای قادر به تهیه برنامه همه جانبه جهت تربیت صحیح نیستند. راه هایی را که خانواده ها در تربیت کودکانشان اتخاذ می کنند. غالباً، روش های سنتی و راه های ارتكازی است. برنامه منسجم، کامل و هماهنگ وجود ندارد و همچنین در مدارس هر معلمي احياناً طبق سلیقه و بافت فکری اش برنامه ای را اجراء می کند. برای ایجاد هماهنگی در نظام

تربیتی جامعه لازم است، کارشناسان اسلامی در رشته های مختلف (تربیتی، روان شناسی، جامعه شناسی، حقوق، اخلاق، اقتصاد، فقه، تعلیم و تربیت و...) بنشینند و با همفکری و همکاری یکدیگر برنامه صحیح تربیتی، اخلاقی، اسلامی را در ابعاد و سطوح مختلف سنی، آموزشی و غیره تدوین نموده به خانواده ها و مراکز آموزشی ارائه دهند. و با ایجاد انگیزه انسانی جامعه را ملزم به رعایت آن برنامه نمایند. در این صورت، پس از گذشت اندکی از اجراء آن برنامه ثمره انسانی و مادی آن را خواهند دید. تا نظام اقدام به این مطلب نکند، هرگز نباید انتظار تربیت صحیح اسلامی، هماهنگی در تربیت و روی کار آمدن کارگزاران صالح را داشته باشد. و

دوره هشتم، شماره هفدهم / ۴۹

همیشه باید شاهد وجود افرادی در جامعه و ادارات باشد که به فساد اخلاقی، سیاسی و فرهنگی دامن می زنند.

مسئول مستقیم تربیت کارگزاران در نظام اسلامی، کارشناسان فرهنگی و مسئولین عالی رتبه نظام و در مرحله بعد خانواده ها و مراکز آموزشی هستند!

پایان

۱. مسؤولیت کارشناسان فرهنگی و مسؤولین عالی رتبه نظام این است که با ارائه برنامه دقیق به خانواده ها و مراکز آموزشی به تربیت صحیح کارگزاران تحقق بخشند.